

جنایت مستانه در باغ ویلا!



گروه حوادث - افرادی که جسد جوان ۲۹ ساله‌ای را در خیابان رسالت ۸۲ مشهد رها کرده بودند، پس از ۴۸ ساعت تلاش کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی دستگیر شدند و راز جنایت مستانه در یک باغ ویلا را فاش کردند.

سپیده دم چهارشنبه دوام هجدهم خرداد جسدی مرد کارتن خوابی که در حال جمع آوری ضایعات برای گذران زندگی اش بود ناگهان در هوای گرگ و میش صبحگاهی خودروی پراپدی را در خیابان رسالت ۸۲ دید که سر نشینان آن چیزی را از درون خود رو پایش انداختند و به سرعت از محل گریختند.

مرد کارتن خواب به تصور این که به لوازم قابل فروشی دست یافته است، قدم هایش را تندتر کرد تا به محل مذکور رسید اما وقتی پتویی را کنار زد که روی آن جسم قرار داشت و وحشت زده خود را عقب کشید. او با جسد جوانی روبه رو شد که آثار خون و ضرب و جرح روی آن نمایان بود. آن مرد که ترس در وجودش موج می زد، سر اسیمه به طرف ابتدای خیابان رسالت دوید تا راهگداری را برای استفاده از تلفن همراهش پیدا کند.

این ماجرا طولی نکشید و در آن ساعت با ماموران نوجوانی به یاری اش آمد و این گونه بود که پلیس ۱۱۰ با تماس

مرد کارتن خواب در جریان رها شدن جسد توسط پراپدسواران قرار گرفت و نیروهای انتظامی عازم خیابان رسالت شدند. گزارش خراسان حاکی است، ماموران انتظامی با مشاهده جسد، به حفظ صحنه حادثه پرداختند و مراتب را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند.

هنوز ساعتی از این ماجرای وحشتناک نگذشته بود که قاضی دکتر حسن زرقانی به همراه عوامل بررسی صحنه جرم و گروه تخصصی کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی به محل کشف جسد رسید و بدین ترتیب تحقیقات ویژه در این باره آغاز شد. جسد مربوط به جوانی ۲۹ ساله بود که آثار کوفتگی و ضرب و جرح با جسمی سخت روی پیکرش دیده می شد.

با انتقال جسد به پزشکی قانونی این پرونده جنایی زیر ذره بین تحقیقات تخصصی رفت و مشخص شد که جنایت احتمالا در یک منزل مسکونی با اتاق قابل سکونت رخ داده است چرا که وجود پتو روی پیکر بی جان جوان ۲۹ ساله این فرضیه مقدماتی را تایید می کرد. از سوی دیگر بررسی های میدانی کارآگاهان با صدور دستورات محرمانه قاضی زرقانی چند ساعت بعد به نتیجه رسید و هویت مقتول به نام محمد سعید «فاش شد.

ادامه تحقیقات بیانگر آن بود که محمد از مدتی قبل در

جسد در خیابان رسالت، یک دستگاه پژو آردی هم در

محل مشاهده شده است. بنا بر این گزارش، گروه دیگری

از کارآگاهان هم، تحقیقات خود را به باغی کشاندند که

محمد (مقتول) در آن جا کار می کرد. طولی نکشید که

مالک و متصرفان باغ ویلا شناسایی شدند و زیر چتر

اطلاعاتی کارآگاهان قرار گرفتند.

بررسی های غیرمحموس که با هدایت مستقیم قاضی

زرقانی همراهی به نتایجی رسید که نشان می داد «محمد»

با وساطت فردی به نام مصطفی به صاحب باغ ویلا معرفی

شده است بنا بر این مصطفی دستگیر و تحت بازجویی قرار

گرفته و او هم در جریان دفاع دوستانش از یک کودک

زباله گرد چاقو خورده بود. در دادگاه کیفری استان تهران حاضر شد

و از متهم شکایت کرد.

متهم که مردی جوان است ادعا کرد او به پسر جوان چاقو زده و یکی

از دوستان شاکای او را مجروح کرده است.

در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده که در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری

استان تهران بر گزار شد کیفرخواست علیه متهم خوانده شد و در ادامه

شاکای در جایگاه قرار گرفت. او گفت: من در خیابان شرعی بوتیک

دارم و آنجا کار می کنم. روز حادثه حدود ساعت دو بعد از ظهر بود

من داشتم جلوی درب بوتیکم را می شستم و تمیزی می کردم چون معمولا

از ساعت سه مشتری هایم آیند. کمی آن طرف تر صدای درگیری بلند

شد. نزدیک رفتم و دیدم این مرد (متهم حاضر در دادگاه) پسر بچه ای

کوچک را کتک می زند. چند نفر از همکارانم جلو رفتم و سعی

کردند جلوی این مرد را بگیرند. من اصلا در درگیری نبودم. شیر آب

را بستم و تازه می خواستم جلوم بروم که یک دفعه متهم به سمت من

حمله و چاقو را به سینم فرو کرد. من اصلا نه او را می شناختم و نه

او را درگیر شده بودم. با اینکه دیدم کودک را کتک می زند و خیلی

ناراحت شدم اما چون دوستانم از آن کودک حمایت کردند من دیگر

جلو نرفتم. من اصلانمی دانم این مرد چرامن را زد.

مرد شاکای ادامه داد: من ماهادر کما بودم و وضعیت خوبی نداشتم؛

دکترها از زنده ماندنم قطع امید کرده و به خانوادام گفته بودند من

مطمئنانا منم را از دست می دهم. بعد از چند ماه به هوش آمدم و پیش

از یک سال روند در مانم طول کشید. حتی یک بار هم سکنه کردم.

نیمی از قلبم دست کار نمی کند. چاقو قلبم را پاره کرده بود و بعد از

اینکه به هوش آمدم دکترها به من گفتند که جسمی ۱۰ سانتی وارد

قلبم شده و اعضای داخلی بدنم را پاره کرده است.

مرد جوان در پاسخ به این سؤال که آیا حاضر است اعلام گذشت کند،

گفت: من حاضر نیستم اعلام گذشت کنم چون در همه این روزها

مادرم مرد و زنه شد و در نهایت یک بار که من سکنه کردم مادرم

هم از غصه سکنه کرد و جانم را از دست داد. من مادرم را به خاطر

این موضوع از دست دادم و حاضر به گذشت نیستم.

سپس پدر شاکای در جایگاه قرار گرفت. او گفت: من ماهادنبال متهم

بودم. پسرم روی تخت بیمارستان در کما بود. زندگی خانوادگی ما

تحت تأثیر این حادثه قرار گرفت؛ همسرم فوت کرد و بچه های

دیگرم زندگی شان به هم ریخت؛ فقط به خاطر کاری که این مرد

کرده است. بعد از سه ماه وقتی پسرم همچنان در کما بود توانستم

رد متهم را پیدا کنم و با مأموران بالای سرش رفتم. او خودش راز بر

رختخوابم را برد و دو ما با پایین آوردن رختخواب های دو که او

را پیدا کردیم و مأموران دستگیرش کردند. وقتی نوبت به متهم رسید،

او اتهام وارد کرد و گفت: من هیچ وقت چاقو در دستم نگرفتم و آن

روز هم از ترس این کار را کردم.

متهم گفت: من زباله گرد بودم و ضایعات جمع می کردم. روز حادثه

مقداری بلاستیک و کارت جمع کرده بودم و می خواستم آنها را باز

بزنم. به سمت یکی از بوتیک ها رفتم تا کمی آب بگیرم و صورتم را

بشویم چون هوا خیلی گرم بود وقتی برگشتم دیدم یک پسر بچه ای

بیگانه که فکر می کنم افغانستانی بود. زباله هایی را که من جمع کرده

بودم، برداشته و در وسایلش گذاشته است. من به آن بچه گفتم: برای

چه چنین کاری می کنی؟ همین که سرش دادم چند جوان که در

بوتیک ها بودند نظیر من آمدند. یکی از آنها همین پسر است که از من

شکایت کرده است. او به من گفت چرا بیا بچه تندی می کنی؟ چرا بچه

را کتک می زنی؟ بعد هم با دسته جارو من را زد. من زیر دست و پای

آن چند جوان افتاده بودم و داشتم مرا می زدند. بعد یکی از آنها چاقو

در آورد که بزنده ام من فرار کردم. بعد هم نفهمیدم چه اتفاقی افتاد.

قاضی از متهم پرسید اصل درگیری باشاکی را قبول داری؟

متهم گفت: من با او درگیر نشدم اما این جوان هم درگیری بود و

داشتم من را کتک می زد.

قاضی گفت: اگر تو در درگیری نبودی و چاقو نزدی چرا فرار کردی

و چرا زیر رختخواب ها خودت را مخفی کردی؟

متهم گفت: من از ترس این کار را کردم چون پدرش تهدید کرده بود

که اگر من را بگیر بیوردم می کشند؛ من هم از ترس مخفی شده بودم.

من زمان حادثه نیز از ترس جانم فرار کردم.

قاضی گفت: مدعی هستی که سابقه ندری اما در پرونده ات شش

سابقه درگیری وجود دارد که همگی هم با چاقو بوده است.

متهم گفت: من چند بار با چاقو زخم زدم که آن هم دعوی خانوادگی

بود. چند دعوی دیگر راهم گردن من انداختند.

بعد از گفته های متهم سایر بوتیک دارها که به عنوان شاهد در پرونده

حضور داشتند در جایگاه حاضر شدند و توضیحاتی دادند. آنها

گفتند: متهم داشت پسر بچه کوچکی را می زد و ما هم برای نجات

پسر بچه از دست او وارد دعوا شدیم. ما بچه را نجات دادیم و این

دفاعات خود را مطرح کرد. وکیل او نیز دفاعیات خود را مطرح کرد

و قضاوت برای تصمیم گیری وارد شور شد.

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

مفقودی

خدمات

استخدام

استخدام

کیف حاوی مدارک شناسایی شامل کارت پایان خدمت، گواهینامه، کارت ملی و کارت کیشوندی اینجانب هادی اسکندری مفقود گردیده است. از یابنده خواهشمند است با این شماره تماس حاصل نمایند. هادی اسکندری ۰۹۳۴۷۶۸۶۲۶۵

صنایع چوب حلاج کیش کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

به تعدادی نیروی آشپز و کمک آشپز و سالن دار نیازمندیم ۰۹۳۳۷۶۹۱۵۵۰ ۰۹۱۲۰۸۰۱۴۴۶ تماس از ۷ تا ۱۱ شب

استخدام منشی عصر آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: بعدازظهر (۳ تا ۹ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۳۴۹۹۹

اصل قرارداد به شماره ۲۶/۴۷۲۳ مورخ ۹۴/۵/۲۵ و صورتمجلس تحویل زمین منعقد فی مابین شرکت سرمایه گذاری و توسعه کیش و سید وحید کثیریه در مورد واگذاری یک قطعه زمین به مساحت ۴۴۰ متر واقع در شهرک میرمهنا فاز F۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

خدمات برق انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی ۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

شرکت آریا اطلس کیش اظهارنامه اشخاص حقیقی و حقوقی حسابداری، حسابرسی، بیمه تأمین اجتماعی، خرید و فروش فصلی، مالیات بر ارزش افزوده، حقوق و دستمزد آدرس: خیابان ساحل، بازار دیپلمات، طبقه اول تجاری، واحد ۱۰۹ شماره تماس: ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳ - ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۵۱

نیروی خدماتی خانم با سواد جهت کار در یک شرکت استخدام می شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

آموزش موسیقی ۰۹۱۲۴۱۲۹۷۴۷

نیازمندیهای اقتصاد کیش ۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۳۹۱۰

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش روزنامه